

The Development of Master Relations and Its Impact on the Life of Farmers during the Qajar Period (with Emphasis on Northern States of Iran)

Zahra Nadi

Ph.D. student of Iran after Islam, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, nadi.zahra90@gmail.com

Mohsen Beheshtiseresht*

Associate Professor, History Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, mbeheshtiseresht@yahoo.com

Zekrolah Mohammadi

Associate Professor, History Department, Imam Khomeini International University Qazvin, Iran, zkmohammadi@yahoo.com

Bagher ali Adelfar

Associate Professor, History Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, badelfar@yahoo.com

Abstract

The development of the international economy and the growth of capitalist relations in Iran have affected economic and social spheres of the country which are, to some extent, influenced by the developments in the west and the global system in the nineteenth century. Dependence on the needs of the global market led to the growth of commercial agriculture and the export of raw materials. The profitability of the sale of commercial agricultural products led to the importance of land and owner of a property, and the tendency of different classes to land. In this research, we try to use descriptive-analytical method and archival documents, while studying the impact of commercialization of agriculture as one of the reasons for the growth of private property in the northern states of Iran during the Qajar period. The study seek to answer the question that "What is the effect of the development of the relations of mastery in the lives of farmers in this area?". After reviewing and analyzing data and documents, it was concluded that commercialization of agriculture leads to the tendency of some classlessness of society, including traders, state officials and even foreigners to invest in the lands of Mazandaran and Guilan. By entering these individuals into the owner class of society, private property grew and as a result, many native farmers were without land. These new owners, with the expansion of master-farming relations, found this power to intervene in the field of agriculture, commercial properties, ownership of water resources water resources and land taxes, and to harass farmers and exploit them to create a turbulent atmosphere in northern states.

Keywords: Commercial Agriculture, Mastery Relations, Farmers, Mazandaran, Guilan.

* Corresponding author

فصل نامه پژوهش های تاریخی (علمی - پژوهشی)

معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان

سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم

شماره چهارم (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۷۷-۲۹۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۷/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۸

رشد مناسبات اربابی و تأثیر آن بر زندگی کشاورزان در دوره قاجار (با تأکید بر ایالت های شمالی ایران)

زهرا نادى* - محسن بهشتی سرشت** - ذکراالله محمدی*** - باقرعلی عادلفر****

چکیده

در قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم قمری، توسعه اقتصاد بین المللی و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران، حوزه های اقتصادی و اجتماعی کشور را تا حدودی از تحولات غرب و نظام جهانی متأثر کرد. وابستگی به نیازهای بازار جهانی، موجب رشد کشاورزی تجاری و صادرات مواد خام شد. سودآوری فروش فرآورده های کشاورزی تجاری، باعث اهمیت یافتن زمین و ملکداری و گرایش طبقات مختلف به زمینداری شد. در این پژوهش تلاش می شود تا با روش توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از اسناد آرشیوی، تأثیر تجاری شدن کشاورزی، در جایگاه یکی از علت های رشد مالکیت خصوصی در ایالت های شمالی ایران در دوره قاجار، بررسی شود؛ همچنین به این پرسش پاسخ داده شود که رشد مناسبات اربابی بر زندگی کشاورزان این منطقه چه تأثیری گذاشت؟

پس از بررسی و تحلیل داده ها و اسناد، این نتیجه حاصل شد که با تجاری شدن کشاورزی عده ای از طبقات غیرزمیندار جامعه، اعم از تاجران و دولتمردان و حتی اتباع خارجی، به سرمایه گذاری در اراضی مازندران و گیلان گرایش پیدا کردند. با ورود این افراد به طبقه ملاک جامعه، مالکیت خصوصی رشد کرد و به دنبال آن، بسیاری از کشاورزان بومی بی زمین شدند. با گسترش مناسبات ارباب رعیتی، مالکان جدید این قدرت را یافتند تا در امور زراعی، تجاری، مالکیت منابع آبی و مالیات اراضی دخالت کنند و ضمن آزار و اذیت کشاورزان و استثمار آنان، فضای ناامن و آشفته ای را در ایالت های شمالی ایجاد کنند.

واژه های کلیدی: کشاورزی تجاری، مناسبات اربابی، کشاورزان، مازندران، گیلان، دوره قاجار

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد اسلام، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، ایران، nadi.zahra90@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، ایران (نویسنده مسؤول) mbeheshtiseresht@yahoo.com

*** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، ایران، zkmoammadi@yahoo.com

**** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، ایران، badelfar@yahoo.com

مقدمه

یافتن زمین‌های کشاورزی، گروه‌هایی همچون تیولداران، اشراف، وزراء و نظامیان برآن شدند که تاحد ممکن زمین‌های دولتی را به املاک خصوصی خود تبدیل کنند. به این ترتیب، مالکانی که در بیست سال آخر قرن نوزدهم در ایران ظاهر شدند، ترکیبی از تجار و دولتیان زمیندار بودند (رواسانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱) که حضور آنان در طبقه ملاک، گسترش مالکیت خصوصی و رشد مناسبات اربابی را در این دوره باعث شد.

در بحث پیشینه پژوهش باید گفت که درباره وضعیت روستاییان، زمینداری و کشاورزی تجاری در دوره قاجار کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نگاشته شده است و هرکدام از دیدگاه خاصی این مسائل را بررسی کرده‌اند؛ برای نمونه کتاب مقاومت‌شکننده از جان فوران که با استفاده از نظریه توسعه وابسته، نظام جهانی و شیوه تولید درباره تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب ۱۳۵۷ش پژوهش کرده است و اطلاعات ارزنده و مفیدی را در اختیار ما قرار داده است؛ اما در باب رشد مناسبات اربابی و تأثیر آن بر زندگی روستاییان، اطلاعات گذرایی را ارائه کرده است. آثار دیگری همچون استبداد، مالکیت و انباشت سرمایه در ایران از احمد سیف، اقتصاد ایران در دوره قاجار از چارلز عیسوی، مقاله رشد کشاورزی تجاری از نوشیروانی و زندگی روستاییان در دوره قاجار از عبدالله‌یف نیز با استفاده از داده‌های آماری، مطالب بسیاری درباره رشد کشاورزی تجاری، انواع زمینداری، بهره مالکانه و وضعیت دهقانان در اختیار ما قرار داده‌اند.

با وجود این، تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه تأثیر رشد مناسبات اربابی بر زندگی کشاورزان ایالت‌های شمالی ایران ارائه نشده است؛ از این رو نویسندگان مقاله ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تلاش کرده‌اند تا با استفاده از اسناد آرشیوی و اسناد منتشرشده و نیز

پس از سال ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م، توسعه اقتصاد بین‌المللی تحولات عمده‌ای را در اقتصاد داخلی بسیاری از کشورها ایجاد کرد و ایران نیز از این امر مستثنی نبود. به علت پیشرفت تکنولوژی حمل‌ونقل، گشوده‌شدن کانال سوئز در سال ۱۲۸۶ق/۱۸۶۹م، تأسیس راه‌آهن و غیره تجارت ایران به رقابت‌های بین‌المللی وارد شد (McDaniel, 1971: 37). به این ترتیب با رشد مناسبات سرمایه‌داری و گسترش روابط تجاری با کشورهای خارجی، کالاهای خارجی با قیمت بسیار ارزان وارد کشور شد و این امر کاهش تقاضای کالای داخلی و از بین رفتن صنایع را موجب شد. به دنبال این پیشامد، بسیاری از روستاییان با هدف تأمین منبع درآمد برای خرید کالاهای ضروری، به کشت محصولات اساسی بازار جهانی رو آوردند. این امر و هم‌زمانی آن با آغاز صنعتی‌شدن آسیای مرکزی و قفقاز که در اواخر دهه ۱۲۹۰ق/۱۸۸۰م و اوایل دهه ۱۳۰۰ق/۱۸۹۰م صورت گرفت، بازار جدیدی برای محصولات ایران، به ویژه محصولات ایالت‌های شمالی، فراهم آورد (Nashat, 1981: 60).

به این ترتیب از سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۱۷ق/۱۸۷۰ تا ۱۹۰۰م، دگرگونی و جابه‌جایی در محصولات پولی‌صادراتی پدید آمد و به گفته نوشیروانی، در سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۷ق/۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰م، «دیگر نمی‌توانیم کشاورزی ایران را کشاورزی معیشتی قلمداد کنیم. در این دوره کشاورزی به‌خوبی در اقتصاد کشور ادغام گشته و روابط بازرگانی گسترش چشمگیری پیدا کرده بود». وی همچنین یادآوری می‌کند که با وجود این، «بسیاری از ویژگی‌های کشاورزی معیشتی باقی‌مانده است» (نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۲۲۸).

به دنبال رشد کشاورزی تجاری و با وابسته‌شدن هرچه بیشتر اقتصاد ایران به بازارهای خارجی و ارزش

روستاها و مجله‌های این دوره، رشد مالکیت خصوصی و تأثیر آن در زندگی کشاورزان مازندران و گیلان را بررسی و واکاوی کنند.

تجاری شدن کشاورزی و رشد مناسبات اربابی در ایالت‌های شمالی ایران

پیش از ورود به بحث اصلی و بررسی روند تجاری شدن کشاورزی بر رشد مناسبات اربابی در ایالت‌های شمالی ایران، شایسته است که به انواع مالکیت زمین و عوامل تأثیرگذار بر رشد مالکیت خصوصی و گسترش مناسبات اربابی در این دوره اشاره مختصری کنیم.

حکومت قاجار در قرن نوزدهم و با اندک تفاوتی، وارث نظام اجتماعی و زمینداری زمان صفویه شد. در این دوره، انواع مالکیت زمین عبارت بود از: ۱. اراضی خالصه یا اراضی دولتی؛ ۲. اراضی اشراف و نجبا، فرماندهان ارتش و رهبران ایلات و قبایل؛ ۳. اراضی موقوفه؛ ۴. املاک عمده مالکی؛ ۵. اراضی خرده مالکان (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۶۷).

لغو تیولداری توسط مجلس اول عامل دیگر رشد مالکیت خصوصی بود که باعث شد تمام اراضی تیولی در عمل به مالکیت متصرفان آن اراضی درآید (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). با لغو تیولداری، جای تیولداران را مالکان بزرگ جدید گرفتند و این‌گونه املاک اربابی توسعه یافت. در نتیجه، خوانین ایلات و روحانیان و فرماندهان قشون همچنان املاک خود را حفظ کردند و دولت نیز زمین‌های خالصه را تحت کنترل خود گرفت (خسروی، ۱۳۵۸: ۲۳ و ۲۴) و تسلط دولت چه به صورت ملکی و چه به صورت وقفی، خالصه و اختصاصی باقی ماند (بی‌نام، ۱۳۵۷: ۱۸).

اما رشد سرمایه‌داری و در نتیجه تجاری شدن کشاورزی و فروش محصولات پولی، از عوامل مؤثر در رشد مالکیت خصوصی و مناسبات اربابی بود. به عبارت دیگر، در ایران رشد و تکامل سرمایه‌داری زائیده پویش اقتصادی اجتماعی جامعه نبود، بلکه به مثابه رابطه‌ای وارداتی شکل و قوام پیدا کرده بود که همه نشانه‌ها و عوارض بیگانگی را بر چهره داشت. در ایران، روابط سرمایه‌داری را استثمارگران و

پیش از ورود به بحث اصلی و بررسی روند تجاری شدن کشاورزی بر رشد مناسبات اربابی در ایالت‌های شمالی ایران، شایسته است که به انواع مالکیت زمین و عوامل تأثیرگذار بر رشد مالکیت خصوصی و گسترش مناسبات اربابی در این دوره اشاره مختصری کنیم.

تجاری شدن کشاورزی و رشد مناسبات اربابی در ایالت‌های شمالی ایران

حکومت قاجار در قرن نوزدهم و با اندک تفاوتی، وارث نظام اجتماعی و زمینداری زمان صفویه شد. در این دوره، انواع مالکیت زمین عبارت بود از: ۱. اراضی خالصه یا اراضی دولتی؛ ۲. اراضی اشراف و نجبا، فرماندهان ارتش و رهبران ایلات و قبایل؛ ۳. اراضی موقوفه؛ ۴. املاک عمده مالکی؛ ۵. اراضی خرده مالکان (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۶۷).

در نیمه دوم قرن نوزدهم، عوامل گوناگونی موجب روی آوردن گروه‌های مختلف به زمینداری و در نتیجه رشد مالکیت خصوصی شد. به جز نبود امنیت مالی و ترس از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها، به ویژه صنعت، خرید اراضی خالصه و غصب زمین‌های دیوانی (تیول) مهم‌ترین علت رشد مالکیت خصوصی بود (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). دولت مرکزی برای پاسخ‌گویی به بحران مالی خود و به علت ویرانی و درآمد اندک زمین‌های خالصه، به نوعی «سیاست تعدیل ساختاری بدوی» رو آورد و برای اولین بار عده‌ای با پرداخت وجوهی و با خرید زمین، به صورت مالک درآمدند و از آن زمین‌ها بهره مالکانه گرفتند. با فروش اراضی خالصه که از دوره ناصری آغاز شده بود، مالکیت بسیاری از

در نیمه دوم قرن نوزدهم، عوامل گوناگونی موجب روی آوردن گروه‌های مختلف به زمینداری و در نتیجه رشد مالکیت خصوصی شد. به جز نبود امنیت مالی و ترس از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها، به ویژه صنعت، خرید اراضی خالصه و غصب زمین‌های دیوانی (تیول) مهم‌ترین علت رشد مالکیت خصوصی بود (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). دولت مرکزی برای پاسخ‌گویی به بحران مالی خود و به علت ویرانی و درآمد اندک زمین‌های خالصه، به نوعی «سیاست تعدیل ساختاری بدوی» رو آورد و برای اولین بار عده‌ای با پرداخت وجوهی و با خرید زمین، به صورت مالک درآمدند و از آن زمین‌ها بهره مالکانه گرفتند. با فروش اراضی خالصه که از دوره ناصری آغاز شده بود، مالکیت بسیاری از

امپریالیست‌ها، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، از راه صدور کالا و سرمایه و کارشناس سیاسی و نظامی به کشور وارد کردند (سوداگر، بی تا: ۱۶).

یکی از نتایج ورود سرمایه‌داری به ایران، رشد کشاورزی تجاری و تبدیل ایران به کشور تأمین‌کننده مواد خام کشورهای امپریالیستی بود. از آنجایی که تأمین کالاهای ضروری بازار جهانی برای زمینداران و تولیدکنندگان سود بسیاری داشت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۴)، بسیاری از مالکان و زمینداران، زمین‌های زیرکشت غلات را به تولید محصولاتی مانند پنبه، برنج، خشخاش و توتون اختصاص دادند که در بازار جهانی فروش خوبی داشت (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۵۶). تبادل فزاینده مواد اولیه ایران با فرآورده‌های صنعتی اروپا و نیز کنترل اروپاییان بر تجارت، تعرفه‌ها، حمل و نقل دریایی و حمل و نقل خشکی از نشانه‌های آشکار الگوی جدید وابسته‌شدن و حاشیه‌ای شدن بود (فوران، ۱۳۸۹: ۱۸۲ و ۱۸۳). در نتیجه با تکیه بر نظریه توسعه وابسته، باید تحول ایران در دوره قاجار را تحولی وابسته دانست؛ زیرا از خارج شکل می‌گرفت و از نظر شکل و دامنه، محدودیت‌های بسیاری داشت (فوران، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

نظام زمینداری که توجه روزافزونی به محصولات پولی نشان می‌داد، در این دوره دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شد. انواع اساسی زمینداری تغییر چندانی نکرد؛ اما درصد زمینی که هر بخش کنترل می‌کرد، تغییر کرد. بارزترین تحول، گسترش میزان املاک خصوصی بود. پاولوویچ (Pavlovic) در سال ۱۲۸۹ش/۱۹۱۰م، چنین اظهار نظر کرد که زمانی بعد از سال ۱۲۲۹ش/۱۸۵۰م، مالکیت املاک سلطنتی و موقوفه با آهنگی فزاینده به بازرگانان، روحانیان و مقام‌های دولتی منتقل شد. حاصل این نوع تملک‌های تاحدی مبهم، پیدایش و رشد طبقه جدید و باثبات‌تر

ملکدارانی بود که املاکشان نه تنها خصوصی بلکه بسیار پهناور بود (فوران، ۱۳۸۹: ۱۸۸). در پی این تحول، مالکیت خصوصی بنیاد مالکیت زمین شد و مالکان خصوصی مناسبات اربابی را گسترش دادند و در نتیجه پس از تجاری‌شدن کشاورزی، مناسبات حاکم بر عمده‌مالکی در ساخت نظام ارباب‌رعیتی تداوم یافت (حسن‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۷).

سرزمین‌های کرانه‌های جنوبی دریای خزر مشتمل بر سه بخش (ایالت) بود: ۱. استرآباد با مرکز آن استرآباد واقع در جنوب شرق؛ ۲. مازندران با مرکز آن بارفروش در جنوب که در واقع شمال تمامی کرانه جنوبی دریا بود؛ ۳. گیلان با مرکز آن رشت واقع در جنوب غرب (ملگونف، ۱۳۷۶: ۴۷). این مناطق به علت داشتن قابلیت‌های فراوان از جمله زمین‌های حاصلخیز، منابع آبی کافی و موقعیت اقتصادی و تجاری مناسب برای صادرات از قطب‌های اصلی کشاورزی ایران بودند. این ویژگی‌ها همراه با رشد کشاورزی تجاری موجب شد بسیاری از مالکان و کشاورزان این مناطق به کشت محصولات پولی روی آورند. در این میان، حتی بسیاری از افراد غیربومی و اتباع سایر کشورها نیز به سرمایه‌گذاری در اراضی این مناطق گرایش یافتند.

عمده‌مالکان این مناطق از جمله گروه‌هایی بودند که به دنبال سودآوری فروش محصولات پولی، به گسترش اراضی زراعی خود و کشت محصولات تجاری روی آوردند. اسناد برجای‌مانده، از تملک اراضی توسط برخی از خاندان‌های محلی این مناطق حاکی است؛ برای نمونه در سال ۱۳۲۲ق. / ۱۹۰۴م، حمزه استرآبادی دو قریه سرمحلّه و اوزینه را که جزء قراء خالصه استرآباد بودند، برای زراعت و کشاورزی خریداری کرد. اما در سال ۱۳۳۳ق. / ۱۹۰۵م، گماشتگان سپهدار اعظم این دو روستا را تصرف کردند و مالک حتی با واسطه کردن حجت‌الاسلام حاجی شیخ محمد

بارفروش (بابل) به رشت منتقل شد و در تولید و صادرات ابریشم، گیلان بر مازندران پیشی گرفت و بسیاری از تاجران روسی برای خرید ابریشم، به جای بندر مشهدسر (بابلسر)، به بندرانزلی می‌رفتند (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۴۳).

عمده مالکانی که در مازندران و گیلان در این زمینه فعالیت می‌کردند عبارت بودند از: مفتخرالملک در لاهیجان، سردارمعمد در طولم، سپهداراعظم در تنکابن، عمیدالسلطنه و ضرغام‌السلطنه در طالش، شریف‌العلماء و اعتمادالعلماء در موازی، امین‌الدوله در لشت‌نشاء و سردارمنصور در دهات مختلف (مجله فلاح و تجارت، ۱۲۹۸: ۴). به‌این ترتیب نیاز بازار خارجی، به‌ویژه تقاضای روس‌ها، جریان تولید ابریشم را به تکاپوی جدی واداشت (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۲۵) و بنابر گزارش دبیر سفارت انگلیس، در این دوره درآمد ارزی کشور از صدور ابریشم بالغ بر هفتصد هزار لیره استرلینگ بود (رابینو، ۱۳۶۶: ۴۶).

علاوه بر تولید ابریشم، گزارش‌های باقی‌مانده از تلاش عمده مالکان در تولید چای حکایت می‌کند. طبق آمار ثبت‌شده در مجله فلاح و تجارت، در سال ۱۲۹۷ش/۱۹۱۹م برخی از بزرگ‌مالکان لاهیجان به کشت چای در اراضی خود اشتغال داشتند؛ از جمله این افراد باید به حاج‌امین دیوان، منتصرالملک، امجدالسلطان، سالارمؤید و میرسیداحمدخان اشاره کرد که به‌طور تقریبی بین یک تا ده جریب از اراضی خود را به کشت چای اختصاص داده بودند (مجله فلاح و تجارت، ۱۲۹۸: ۲۳).

بجز عمده مالکان منطقه، بسیاری از متنفذان محلی و مأموران دولتی نیز به دنبال کسب درآمد، به خرید زمین و کشت محصولات تجاری رو آوردند و در این زمینه، حتی از حضور نیروهای متخصص نیز بهره بردند. طبق گزارش‌های موجود، سیمسکنده از

حسن مجتهد، نماینده استرآباد، نیز موفق نشد ملک غصب‌شده خود را پس گیرد (نوری، ۱۳۹۰: ۳۶۵ و ۳۶۶). همچنین طبق گزارش لطفعلی‌خان کلبادی (سردار جلیل)، امیرمؤید و پسران در ۱۵ جمادى‌الاول ۱۳۳۷/۱۶ فوریه ۱۹۱۹ بلوکات سوادکوه، شیرگاه، بابل‌کنار، لفور، صنم و دارکاشت را به‌زور تصرف کردند و از فیروزکوه تا هزارجریب را زیر سلطه خود درآوردند (ترکمان، ۱۳۷۸: ۲۳۰).

در گیلان نیز باید از خاندان حکومتگر منجم‌باشی یاد کنیم که طی سال‌های مختلف، به خرید و تصرف اراضی مسکونی، زراعی و تجاری متعددی مشغول بودند؛ برای نمونه حاجی‌آقابزرگ منجم‌باشی، یکی از بزرگان خاندان، طی سال‌های مختلف زمین‌های زراعی واقع در گل‌کاسرا در رودسر (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۰۳۳/۲۹۶)، تعدادی زمین در روستای رانکوه واقع در املش (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۹۱۷۴/۲۹۰) و برخی از املاک واقع در روستای چالک‌سر صومعه‌سرا (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۹۱۷۳/۲۹۶) را از کدخدایان و زارعان خریداری کرد و به یکی از عمده مالکان گیلان تبدیل شد.

بسیاری از عمده مالکان با تکیه بر قدرت اقتصادی که داشتند، در اراضی زیر سلطه خود محصولات کشاورزی تجاری کشت می‌کردند؛ چنان‌که تلاش برای کاشت درخت توت و ساخت تلمبارهایی برای پرورش کرم ابریشم از فعالیت این طبقه، به‌ویژه در گیلان، برای کسب درآمد از فروش پیله ابریشم به خارج از کشور نشان دارد. با شیوع طاعون در سال ۱۲۴۵ق/۱۸۲۸م و از بین رفتن نیمی از جمعیت این منطقه، تولید و صادرات این محصول دچار افت شد؛ اما به‌علت نیاز بازار جهانی، تولید ابریشم به‌ویژه از سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۱م دوباره رونق گرفت. به‌نقل از فریزر، در پی این رویداد بخش مهمی از تولید ابریشم از

دهکده‌های شهر ساری، ملک مرتضی‌قلی‌خان صنایع‌الدوله بود. وی در ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م جبرئیل سوبلوف (Gabriel Svblvf)، متخصص چای‌کاری، را برای کشت چای به سمسکنده فرستاد (مهجوری، ۱۳۴۵: ۲/۲۶۶).

در دهه ۱۲۷۹ق/۱۸۶۳م و پس از بروز بیماری کرم ابریشم، میزان تولید ابریشم به یک‌چهارم کاهش یافت و با کاهش این محصول، اهالی گیلان به تولید برنج برای روسیه روی آوردند (رابینو، ۱۳۶۶: ۴۶). کشت و تولید برنج برای صادرات به‌حدی سودآور بود که به‌تعبیر جمالزاده، بسیاری «نیزارهای وسیعی را آبسته نمودند و در آنجا برنج کاشتند» (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۲۱)؛ اما پس از سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۱م و به‌علت نیاز بازار جهانی، تولید ابریشم رونق گرفت. فعالیت برخی از متنفذان محلی مانند میرزاحمدعلی، برادران ظفریان، مشهدی‌قاسم در رشت، سیدعلی تبریزی در فومن و علی‌خان شفتی در شفت در صنعت ابریشم و راه‌اندازی کارخانه پيله خفه‌کنی از تلاش این طبقه در زمینه تولید و صادرات فرآورده‌های پولی حاکی است (مجله فلاحت و تجارت، ۱۲۹۸: ۴۴۹ و ۴۵۰).

در کنار عمده‌مالکان و خرده‌مالکانی که در پی افزایش اراضی خود بودند، گروه‌های دیگر نیز برای کسب سود از فروش محصولات پولی، به خرید زمین و تملک آن با هر شیوه‌ای برآمدند. در این دوره، بسیاری از تجار بومی به سرمایه‌گذاری و خرید زمین علاقه نشان دادند. علاوه بر سودآوری صادرات محصولات پولی، علت اصلی روی آوردن این گروه به خرید زمین ترس از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های تولیدی و صنعتی بود. درواقع، تسلط تدریجی کالا و سرمایه خارجی بر بازار و اقتصاد ایران و واگذاری امتیازات گوناگون به دولت‌های امپریالیستی و سرمایه‌داران خارجی، موجب شد که در ایران از رشد

سرمایه تجاری و ارتقاء آن به سطح سرمایه صنعتی جلوگیری شود (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۶۱). البته ورود این زمینداران غیرحرفه‌ای را به طبقه مالکان بزرگ نباید تنها به‌علت منافع اقتصادی و قدرت سیاسی دانست، بلکه ارزش‌های اعتباری و حیثیتی نیز عده‌ای را به سوی ملکداری سوق داد؛ زیرا در جامعه ایرانی آن زمان، تعداد روستاها و مزارع در تملک هر مالک، برای وی نوعی اعتبار و حیثیت اجتماعی می‌آورد (وثوقی، ۱۳۶۹: ۱۷۲).

گرایش تجار به زمینداری ابتدا از اصفهان آغاز شد و اشاره یکی از تحویلداران اصفهانی به این امر که «تجار نیز زراعت و ملکداری می‌کنند»، از اقدام مستقیم تجار در تولید کالای مبادله‌کردنی با اروپاییان نشان دارد (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۹۲). اسناد باقی‌مانده از خاندان منجم‌باشی نیز از فروش زمین‌های مختلف به تاجران گیلانی حکایت می‌کند؛ برای نمونه در سال ۱۲۷۲ق/۱۸۵۵م میرزاعبدالباقی منجم‌باشی، فرزند بزرگ‌آقا، شش دانگ از اراضی روستای نلکتر رانکوه گیلان را طی معامله‌ای به محمدحسین، فرزند حاجی‌یوسف‌علی تاجر لنگرودی، فروخت (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۶/۱۶۲۷۱). برخی از تجار نیز با انعقاد مصالحه‌نامه‌هایی، تعدادی از روستاهای مازندران را خریداری کردند و کشت و صدور محصولات را تحت نظارت خود درآوردند. براساس آنچه در اسناد بازتاب یافته است در سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م عبدالحمیدخان، فرزند آقامحمدخان تاجر، طبق قراردادی بخشی از روستای نجارکلا، واقع در بلوک کیاکلا در بارفروش (بابل) مازندران را از دختر آقامیرزاریع مستوفی علی‌آبادی مازندرانی خریداری کرد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۶/۲۲۸۱۲).

موقعیت اقلیمی مازندران به‌گونه‌ای بود که حتی

مازندران ادامه دارد» (طاهری، ۱۳۴۷: ۵۴ و ۵۵). با افزایش تقاضای پنبه در روسیه، ساکنان بین بندرگز و استرآباد که در پرورش اسب فعالیت می‌کردند، اسب‌های خود را فروختند و به پنبه‌کاری مشغول شدند (رابینو، ۱۳۶۵: ۱۱۳). طبق گزارش اورسل (Orsolle) نیز، قایق‌هایی به بندر تجاری مشهدسر (بابلسر) می‌آمدند و پنبه‌ها را بار می‌زدند و به کشتی‌هایی انتقال می‌دادند که در دوردست لنگر انداخته بودند (اورسل، ۱۳۸۲: ۳۲۷).

علاوه بر تاجران، حتی اتباع خارجی نیز دست‌اندازی بر املاک شمال ایران را شروع کردند؛ برای مثال پیش از شروع جنگ جهانی اول، بسیاری از کشاورزان میانه‌رو روسی به ایالت استرآباد آمدند و با خرید زمین، به کشاورزی مشغول شدند. حتی کارمندان و افسران روسی مقیم ایران نیز در معامله املاک و اراضی بزرگ مشارکت کردند؛ از جمله این افراد باید به ژنرال پوتاپوف (Potapov) اشاره کرد که در سال ۱۳۳۱ق/۱۹۱۲م قطعه ملک بزرگی در استرآباد خریداری کرد (عبدالله‌یف، ۱۳۶۱: ۲۴۷). در طول سال‌های جنگ، به‌ویژه طی سال ۱۳۳۵ق/۱۹۱۶م، مهاجرت روس‌ها به‌همراه خانواده به استرآباد ادامه یافت و بسیاری از آنها مشغول زراعت شدند (نصیری‌مقدم، ۱۳۷۴: ۲۴۷)؛ برای نمونه فردی به نام پولکونیک بیالونویچ (Pvlkvnnyk Byalvnvyj)، قره‌بلاغ واقع در استرآباد را برای زراعت اجاره کرد؛ همچنین اعضای کمپانی فلاح‌ت روسیه در گومیش‌تپه سکونت گزیدند و به زراعت شلتوک و پنبه مشغول شدند (نصیری‌مقدم، ۱۳۷۴: ۱۷۴). حضور اتباع روسی و اجاره اراضی برای زراعت، به‌ویژه کشت پنبه، در اسناد متعددی بازتاب یافته است (مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ۳-۴۷۲۵-۲۴۰).

اهمیت اراضی در شمال به‌حدی بود که اتباع روسی

بازرگانان خارجی به کشت محصولات کشورهای خود در این منطقه ترغیب می‌شدند. رابینو به حضور بازرگانان یونانی اشاره می‌کند که بسیاری از نباتات ناحیه اودسا و از جمله کشت بوته‌های تنباکو و تهیه توتون را ترویج دادند (طاهری، ۱۳۴۷: ۶۵). از سوی دیگر، بسیاری از تاجران ایرانی و خارجی از جمله صمدخان تاجرباشی در رشت، ترایل پاین (Terrail Payen) و شرکا در لنگرود و برادران تومانیانس (Toumaniantz) در صنعت ابریشم دستی داشتند (مجله فلاح‌ت و تجارت، ۱۲۹۸: ۴۴۹ و ۴۵۰) و برخی مانند رضایوف، تجارتخانه چایچی و میرزاجواد چایچی در زمینه کشت چای فعالیت می‌کردند (مجله فلاح‌ت و تجارت، ۱۲۹۸: ۲۳). همچنین با پیدایش تقاضای خارجی، کشت تجاری پنبه در ایران آغاز شد. در واقع، با قطع صدور پنبه آمریکا به اروپا تقاضا برای پنبه ایران افزایش یافت؛ ولی پس از پایان جنگ در آمریکا، پنبه ایران با افت شدید صادرات به اروپای غربی و هند مواجه شد؛ اما تداوم تقاضا برای پنبه ایران از سوی روسیه، باعث شد که تولید پنبه جهت‌گیری صادراتی خود را حفظ کند. طبق آماری که جمالزاده ارائه می‌کند حدود ۹۸/۵ درصد صادرات پنبه ایران به روسیه و باقی‌مانده به هند و عثمانی بود (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۷). به این ترتیب، بسیاری از تاجران روسی و ایرانی با تأمین بذر و نقدینه، کاشت پنبه آمریکایی را در بین کشاورزان شمال کشور تشویق کردند و در نتیجه این رویداد، قیمت پنبه فزونی یافت و علاقه به کاشت آن در شمال ایران رو به افزایش نهاد. میزان ترقی قیمت این کالا را باید از آنجا قیاس گرفت که پیش از سفر نی پیه (Nipe) به ایران، بهای هر خروار پنبه هفت الی هشت تومان بود و کمتر از یک سال بعد، این رقم به چهل تومان، یعنی پنج‌برابر، بالغ شد. خود نی‌پیه می‌نویسد: «پنبه‌کاری عمل پرسودی است و در سراسر

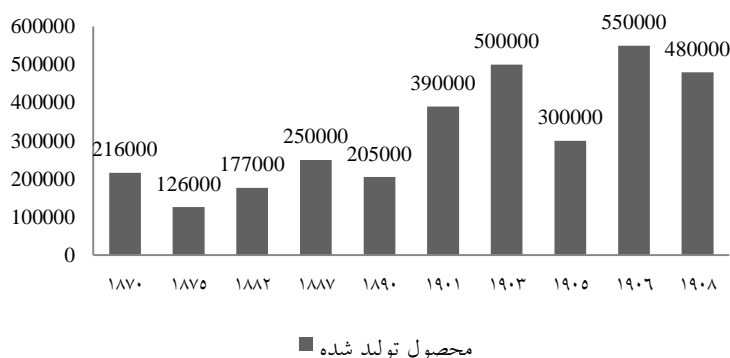
کشاورزی در ایالت‌های شمالی ایران را نشان می‌دهند که تحت تأثیر نیازهای بازار جهانی، تاحدودی کشت آنها افزایش یافته بود.

این نمودار نشان می‌دهد که در اوایل قرن بیستم، در مقایسه با قرن نوزدهم، وضعیت تولید ابریشم رشد خوبی داشته است. این امر حاکی از آن است که نیاز بازار جهانی و صادرات پيله، به‌ویژه به روسیه، بر فعالیت کشاورزان ایرانی در این زمینه تأثیر بسزایی داشته است. نمودار زیر نیز وضعیت صادرات پيله از مازندران و استرآباد را نشان می‌دهد و از رشد سالانه تولید ابریشم و صادرات آن حکایت دارد.

در مقابل بدهی‌های کشاورزان نیز، به گرفتن زمین‌های آنان اقدام می‌کردند؛ به طوری که طبق نامه ایوانوفسکی (Ivanovsky)، کنسول دولت روسیه، خطاب به منجم‌باشی، حاکم گیلان، به علت بدهی یکی از رعایای گیلان قطعه زمینی به تملک دولت روسیه درآمد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۶/۱۶۳۴۵). این امر نشان می‌دهد که درآمد زمین‌های زراعی شمال به علت قابلیت‌هایی که در کشت فرآورده‌های کشاورزی پولی داشت، آنقدر چشمگیر بود که حتی دولت روسیه برای مالکیت زمین در این مناطق به بهانه‌های مختلف متوسل می‌شد.

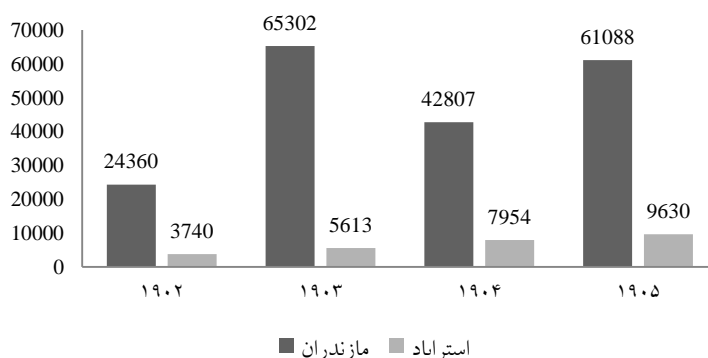
نمودارهای زیر باتوجه به آمار و داده‌های موجود، وضعیت تولید و صادرات برخی فرآورده‌های

وضعیت تولید ابریشم خام در گیلان (کیلوگرم)



نمودار ۱- (مجله فلاح و تجارت، ۱۲۹۸: ۳۷۹ و ۳۸۰).

وضعیت صادرات پيله خشک از مازندران و استرآباد (کیلوگرم)

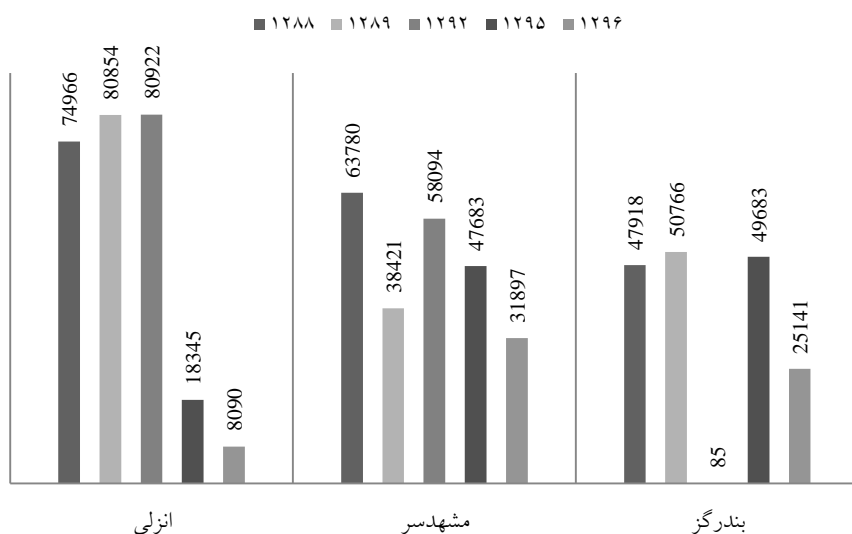


نمودار ۲- (مجله فلاح و تجارت، ۱۲۹۸: ۳۲۷).

افزایش وابستگی اقتصاد کشور به کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری و تبدیل ایران به زائده کشاورزی و مواد خام آنهاست (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۴۵). دو نمودار زیر وضعیت صادرات پنبه و برنج را از ایالت‌های شمالی ایران در سال‌های مختلف نشان می‌دهند.

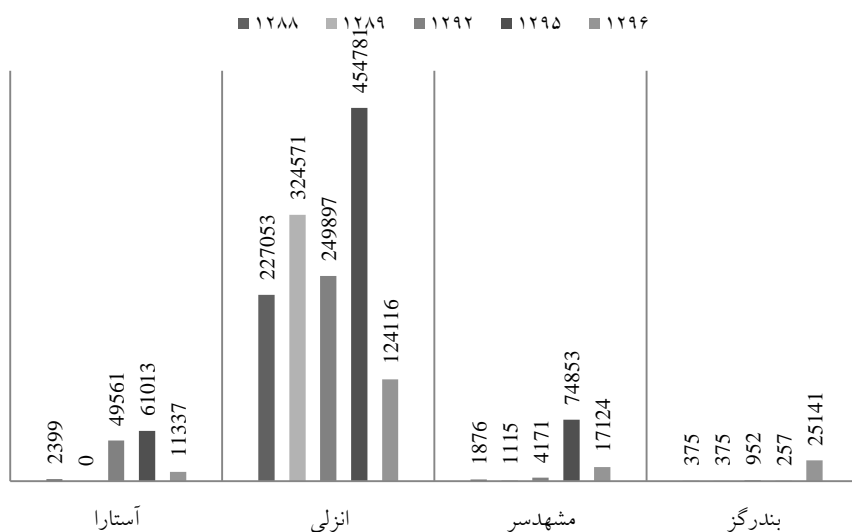
پنبه و برنج از دیگر محصولات کشاورزی تجاری بود که در این دوره کشت آنها رونق گرفت. این امر نشان می‌دهد که نیازهای بازار جهانی تا چه حد بر نوع کشت مزارع تأثیر می‌گذاشت. بازکاوی روابط بازرگانی ایران نیز در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، گواه

صادرات پنبه از گیلان و مازندران (بسته‌های بیش از بیست من)



نمودار ۳- (احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۶ ش)

صادرات برنج از گیلان و مازندران (بسته‌های بیش از بیست من)



نمودار ۴- (احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۶ ش)

تأثیر رشد مناسبات اربابی بر زندگی کشاورزان ایالت‌های شمالی

رشد مالکیت خصوصی و گسترش مناسبات اربابی توسط مالکان جدید، از نتایج غیرمستقیم توسعه و ابسته و تجاری شدن کشاورزی در ایران بود. حضور این طبقه ملاک جدید برای کشاورزان مازندران و گیلان پیامدهایی به دنبال داشت که در زیر این مسائل را بررسی و واکاوی می‌کنیم.

۱. بی‌زمین شدن کشاورزان: با تمایل گروه‌های جدید به تملک اراضی و اقدام به تصرف خصمانه و پرداخت نکردن بهای زمین‌های اجاره‌ای، بسیاری از کشاورزان بومی زمین خود را از دست دادند. نارضایتی از عملکرد متصرفان، شکایت روستاییان و درخواست مساعدت از بزرگان را به همراه داشت؛ برای نمونه، زمانی که اراضی آقاسلطان املشی گیلانی رانکویی به تصرف قهرآمیز اقوام حاج شیخ آقابزرگ مجتهد لنگرودی درآمد، آقاسلطان طی نامه‌ای به منجم‌باشی، حاکم گیلان، برای بازپس گرفتن زمین و حل اختلاف ملکی درخواست کمک کرد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۶/۱۹۰۶۱).

در برخی مواقع نیز کشاورزان به دادگاه‌ها و محکمه‌ها شکایت می‌کردند که بیشتر اوقات نتیجه‌ای دربرداشت و در بهترین حالت، حکمی مبنی بر تقسیم املاک میان آنها صادر می‌شد؛ چنان‌که در سال ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م ابوتراب‌خان، سرتیپ فوج بندپی مازندران، املاک و زمین‌های میرزا حسن و محمدتقی شاهرودی، از مالکان واقع در بندپی، را تصرف کرد. این مسئله باعث شکایت مالکان به دادگاه و محکمه تجارت در تهران شد که در نهایت، دادگاه به تقسیم املاک بندپی میان آنها حکم داد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۸/۷۳۸۱۵). به این ترتیب با رشد

مالکیت خصوصی و مناسبات اربابی، حقوق سنتی دهقانان از بین رفت، اکثر روستاها به مالکیت مالکان درآمد، قرض و وام افزایش یافت، بیشتر دهقانان به صورت اجاره‌داران بی‌زمین درآمدند و اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم سال‌های بدبختی کشاورزان ایرانی بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۶).

۲. ایجاد فضای ناامن در منطقه: رشد مالکیت خصوصی

که به واسطه تصرف قهرآمیز زمین‌ها بود، باعث شد تا در ایالت‌های شمالی فضای ناامنی ایجاد شود. بی‌اعتمادی مردم به متنفذان محلی و نگرانی بابت از دست دادن زمین‌هایشان، باعث می‌شد حتی به تصرف اراضی دیگران روی بیاورند. روستاییان جایگاه اجتماعی و قدرت چندانی نداشتند که به تنهایی به تصرف زمین اقدام کنند؛ بنابراین به‌طور معمول، به صورت گروهی این کار را انجام می‌دادند. براساس آنچه در اسناد بازتاب یافته است، در سال ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م صنیع‌الدوله، از رعایای روستای سورک مازندران، به علت تصرف قهرآمیز اراضی روستای سمسکنده و ادعای مالکیت بر آن در عدلیه مازندران شکایت کرده است (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۸/۴۹۰۳۷). اختلافات ملکی، آشفتگی‌های اجتماعی را در این مناطق تشدید می‌کرد و نه تنها درگیری و نزاع گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه را باعث می‌شد، بلکه بستری را فراهم می‌کرد تا برخی از افراد و متنفذان سودجو به نفع خود از این موقعیت بهره‌برداری کنند و به تصرف و تملک غیرقانونی اراضی بپردازند؛ برای نمونه در سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م عده‌ای از خرده‌مالکان بارفروش، اراضی خود را با انعقاد اجاره‌نامه‌ای به محمدعلی تاجر مازندرانی دادند؛ ولی وی این املاک استیجاری را به سالارمکرم سپرد و

نبود امکانات مالی و لزوم احداث قنات و سایر وسایل آبیاری باعث می‌شد تا کشاورزان به اجبار دست نیاز به سوی مالکان عمده دراز کنند و در نتیجه پس از مدتی، به نفع طلبکار از محصول و ملک خود دست بردارند (رحمانی، ۱۳۴۸: ۱۵۱).

۵. نبود نظارت و رسیدگی نکردن به وضعیت کشاورزان:

در این دوره، بسیاری از مالکان در شهرهای بزرگ سکونت داشتند و املاک خود را به مباشران و کدخدایان واگذار می‌کردند یا آنها را به افراد دیگری به اجاره می‌دادند. تنها درصد کوچکی از مالکان به صورت مستقیم املاک خود را اداره می‌کردند و در میان رعایای خود به سر می‌بردند (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۳۵). اکثر آنان نه تمایلی داشتند و نه قادر بودند که به‌شخصه امور زمین‌های خود را اداره کنند؛ بنابراین برای حفظ منافع خود، در روستاهای مایملک، به نمایندگان خود در سطح روستاها وابسته بودند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۹: ۱۲۵). در این میان، کدخدا نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و از لحاظ اجتماعی، اکثر کدخدایان که واسطه بین مالکان و زارعان بودند، از میان خرده‌مالکان انتخاب می‌شدند و بر مسائل زراعی در روستاها نظارت می‌کردند. در اکثر مواقع، کدخدایان امور زراعی را با در نظر گرفتن منافع مالکان و در مقام مشاوران مالکان بزرگ اداره می‌کردند (خسروی، ۱۳۵۸: ۱۴۸)؛ برای نمونه در سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۲۸۵ ق/۱۸۱۱ تا ۱۸۶۸ م، اختلاف‌های ملکی بر سر زمین‌های کشاورزی میان رعایا و مالکان روستاهای تابعه لنگرود به اوج خود رسید و باعث وساطت کدخدایان به نفع مالکان و حتی فتوای روحانیان شد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۹۹۹۹/۲۹۶). این امر نشان می‌دهد که کدخدایان بیشتر نماینده مالکان و دولت بودند تا نماینده رعایا در برابر مالکان.

از سوی دیگر، کدخدایان به لحاظ داشتن منشاء

این‌گونه املاک به تصرف سالارمکرم درآمد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۲-۵۰۶۳۴-۲۹۸).

۳. دخالت در امور زراعی: حضور مالکان جدید این قدرت را به آنان می‌داد که در امور زراعی روستاها دخالت کنند. انگیزه بیشتر این مالکان غیرزمیندار، کشت محصولات پولی در اراضی و کسب سود بود؛ از همین رو، در امور زراعی روستاها دخالت می‌کردند و گاه حتی با خراب کردن محصولات کشاورزان، به روستاییان ضرر می‌زدند. این امر در تلگراف تظلم‌خواهی چراغعلی‌خان سوادکوهی که در سال ۱۳۳۳ ق/۱۹۱۴ م خطاب به احمدشاه قاجار فرستاد، بازتاب یافته است (ترکمان، ۱۳۷۸: ۱۰۹). تظلم‌خواهی میرزامجتهد امیری و حاجی مهدی سلطان و سایر رعایا از ظلم‌های امیرمکرم و قزاق‌های روسی، در پی تخریب زراعتشان و درخواست مالیات‌های غیرقانونی از آنها، نیز از دخالت نیروهای روسی با حمایت بزرگ مالکان منطقه حاکی است (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۷۲۲۳/۲۴۰).

۴. اختلاف در تقسیم آب و آبیاری مزارع: حضور مالکان

جدید مشکلات بسیاری را در زمینه آبیاری مزارع به وجود آورد؛ زیرا آنها با بستن آب روی سایر کشاورزان، از این امر در قالب اهرم فشاری برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کردند؛ برای نمونه تجارتخانه تومانیانس در سال ۱۳۳۵ ق/۱۹۱۶ م، آب را بر اراضی کشاورزان بست و باعث اعتراض و تحصن روستاییان شد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۰۸۱/۲۹۳). همچنین حضور اتباع روسی در زمین‌های اجاره‌ای، زمینه لازم را برای دخالت در مسائلی مانند تقسیم آب فراهم می‌کرد (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۷۷). دسترسی نداشتن کشاورزان به منابع آبی و

در دورانی که بهره مالکانه به صورت جنس پرداخت می شد، زندگی کشاورزان کم‌وبیش درخور تحمل بود؛ اما با لغو این روش، بسیاری از روستاییان و خرده مالکان دچار فلاکت شدند (فشاهی، ۲۵۳۶: ۳۸). نارضایتی کشاورزان از اخذ بهره مالکانه نقدی در اکثر شهرها، از جمله استرآباد (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۴)، دیده می‌شد. این مسئله باعث شد تا در مجلس اول، مازندرانی‌های ساکن تهران به نفع کشاورزان وارد میدان شوند و تحسن کنند. انگیزه این تحسن، مالیات مستقیم و **هنگفتی** بود که برای اجناس تولیدی مازندران، محصولات کشاورزی و دامی، تعیین شده بود. از نظر تحسن‌کنندگان، این مالیات‌ها افزایش قیمت کالاهای تولیدی کشاورزان و ازدست‌دادن بازار فروش آنها را موجب می‌شد و در نهایت نیز کشاورز مازندرانی زمین خود را از دست می‌دادند. پیش‌ازین، از هر خروار (معادل ۳۰۰ کیلو) شالی با چهل من وزن (۱۲۰ کیلو) هفت ریال مالیات نقدی دریافت می‌شد. با اعتراض مردم مازندران و گیلان، قرار شد از هر خروار شالی پانزده ریال مالیات گرفته شود و با اعتراض مردم مالیات افزایش یافت؛ ولی پانزده ریال مالیات برای هر خروار شالی، به میزان هشتاد درصد قیمت یک خروار شالی در بازار بود. با ادامه تحسن سران مازندرانی در تهران، مالیات نقدی از پانزده ریال به هفت ریال برای هر خروار شالی تقلیل یافت (سالور، ۱۳۷۴: ۲۰۱۸/۳).

۷. **استثمار کشاورزان از سوی بیگانگان:** در این دوره، عمده مالکان و خارجی‌های مقیم منطقه بسیاری از کشاورزان را که زمین‌های کوچکی زیر کشت داشتند، استثمار می‌کردند؛ برای نمونه، روس‌ها که در حوالی استرآباد ماشین پنبه‌پاک‌کنی داشتند، محصول زارعان را پیش از برداشت و بدون مشخص کردن قیمت،

اجتماعی روستایی و نیز به واسطه وابستگی به نظام زمینداری ارباب‌رعیتی، پایگاه مستحکمی برای این نظام محسوب می‌شدند و قادر بودند جلوی هرگونه اعتراض و حوادث ضد مالکیت را در روستاها بگیرند (خسروی، ۱۳۵۸: ۱۴۸ و ۱۴۹). به این ترتیب، حضور نداشتن مالکان اصلی و نظارت کدخدایان در مقام مأمور آنان باعث شد تا به خواسته‌ها و نیازهای طبقه کشاورز توجهی نشود. در نتیجه با گسترش زمین‌های اربابی و تصرف زمین‌های کشاورزان، از یک سو تنها منبع تأمین درآمد روستاییان از آنها گرفته شد و از سوی دیگر، با سلطه مالکان شهرنشین و استثمار روستاییان در راستای تأمین منافع خود، وضعیت زندگی اقتصادی و اجتماعی روستاییان بدتر شد.

۶. **وصول بهره مالکانه نقدی:** از دیگر پیامدهای تجاری شدن کشاورزی و رشد نظام اربابی برای دهقانان، رواج بهره مالکانه نقدی بود. بهره مالکانه شکل عمده محصول اضافی را تشکیل می‌داد. در گذشته در نظام اربابی، تولیدکنندگان بهره مالکانه را مستقیم و به صورت بیگاری (کار اضافی) یا بهره مالکانه جنسی (محصول اضافی) یا بهره مالکانه نقدی، با هم یا جداگانه، براساس نسق زراعی و مزارعه پرداخت می‌کردند. با رشد کشاورزی تجاری و تبدیل تولید کشاورزی به تولید کالایی، عمده مالکان برای کسب منفعت بیشتر، به گرفتن بهره مالکانه نقدی علاقه نشان دادند (سوداگر، بی تا: ۱۲۴).

تبدیل مستمر بهره مالکانه جنسی به بهره مالکانه پولی از ربع آخر قرن نوزدهم به بعد/اواخر قرن سیزدهم قمری **رواج یافت و برای نخستین بار** در تاریخ اقتصاد کشاورزی ایران به وقوع می‌پیوست. این امر به ورشکستگی بیشتر مردم روستاها انجامید؛ زیرا

نفر ایوانف، کنسول روسیه در استرآباد، با کمک عده ای از سواران عبدالملکی در استرآباد روسیه کوچکی ساخته بود و در امور داخلی ایل دخالت می‌کرد و اغتشاش و بی‌نظمی ایجاد می‌کرد. این هرج و مرج در نهایت باعث شد که عده‌ای از افراد ایل تظلم‌خواهی کنند و رسیدگی به این وضعیت را درخواست کنند (ترکمان، ۱۳۷۸: ۱۱۱ و ۱۱۲). روس‌ها حتی با تصرف منطقه قشلاقی و محل علف‌دادن به اغنام و احشام، برای کشاورزان دردهایی ایجاد می‌کردند؛ چنان‌که این امر در بلوک شیرگاه ایل سوادکوه رخ داد و باعث شکایت امیرمؤید سوادکوهی به سفارت روسیه شد (ترکمان، ۱۳۷۸: ۱۱۵). روس‌ها علاوه بر آزار و اذیت رعایا، به‌شخصه برای جمع‌آوری مالیات املاک و اراضی خود اقدام می‌کردند و این‌گونه هم برای کشاورزان و هم برای مأموران مالیه و اداره مالیه مشکل‌ساز می‌شدند (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

نتیجه

در پی رشد کشاورزی تجاری و فروش محصولات پولی، با اهمیت‌یافتن زمین و زمینداری، قشرهای جدید به تملک اراضی زراعی در ایالت‌های شمالی ایران روی آوردند و به‌این‌ترتیب، مالکیت خصوصی در این مناطق رشد کرد. حضور این مالکان جدید نتایج مثبتی برای کشاورزان این مناطق نداشت؛ زیرا بسیاری از آنان بدون رضایت شخصی، اراضی خود را از دست می‌دادند. حتی برخی کشاورزان با تجاوز و تصرف قهرآمیز متنفذان روبه‌رو می‌شدند و به کشاورزان بی‌زمین تبدیل می‌شدند. عملکرد مالکان جدید در گسترش املاک شخصی، در ایالت‌های شمالی فضای نامنی ایجاد می‌کرد و موجب می‌شد تا روستاییان نیز به تصرف اراضی روستاهای دیگر دست

خریداری می‌کردند؛ اما هنگام برداشت محصول، به بهانه تنزل قیمت پنبه در بازارهای روسیه، محصول زارغان را به قیمت کمی می‌خریدند. رواج سنت خریداری محصول پیش از برداشت در ایران، کشاورزان را برای فروش محصولات خود، به نوسانات بازار و نیرنگ‌های واسطه‌ها وابسته کرد (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۶۰). در این راستا، تاجران ایرانی نیز با خارجی‌ها همراه می‌شدند و محصولات زارغان را پیش‌خرید و صادر می‌کردند؛ درحالی‌که در زراعت سهمی نداشتند (عبدالله‌یف، ۱۳۶۱: ۲۳۹ و ۲۴۰). به‌این‌ترتیب، بسیاری از کشاورزان مجبور بودند محصولات خود را پس از برداشت، به نرخی بسیار کم‌تر از قیمت واقعی، در معرض فروش گذارند. نتیجه این وضعیت قرارگرفتن کشاورزان در فقر و گرسنگی و به‌دست‌آوردن سودهای کلان برای دلالان و واسطه‌ها بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۳).

به‌علاوه، بسیاری از روس‌ها با گرفتن مالیات‌های غیرقانونی و شکنجه کشاورزان برای پرداخت مالیات، فضای روستاها را آشفته می‌کردند (ترکمان، ۱۳۷۸: ۱۰۹). این امر در اسناد نیز بازتاب یافته است؛ چنان‌که قزاق‌های روسی به پشتوانه امیرمکرم، زمین‌ها و محصولات کشاورزی زمین‌ها را تخریب می‌کردند و از کشاورزان مالیات‌های بسیار طلب می‌کردند (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۷۲۲۳/۲۴۰). به‌علت نظارت‌نکردن دولت مرکزی و حکام محلی، روس‌ها حتی به خود اجازه می‌دادند که در امور روستایی و ایلی بومیان دخالت کنند و به آنان ظلم کنند. تظلم‌نامه شصت‌ونه نفر از ایل عبدالملکی خطاب به مجلس شورای ملی و وزارت امور خارجه در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۴م، گویای دخالت و آزار و اذیت اتباع روسی است. طبق گزارش این شصت‌ونه

از سال ۱۲۶۳ شمسی تا کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹، گردآوری محمد ترکمان، تهران: نی.

. جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۸۴)، گنج شایگان؛ اوضاع اقتصادی ایران، تهران: سخن.

. خسروی، خسرو، (۱۳۵۸)، جامعه‌شناسی روستایی ایران، تهران: دانشگاه تهران.

. رابینو، لویی، (۱۳۶۶)، ولایات دارالمرز ایران، گیلان، ترجمه جعفر خمایی‌زاده، رشت: طاعتی.

. رحمانی، اختر، (۱۳۴۲)، مالکیت و بهره‌برداری از زمین در ایران، تهران: کتب ایران.

. رواسانی، شاپور، (۱۳۹۰)، دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری؛ شیوه تولید مستعمراتی - طبقه پیوسته به استعمار سرمایه‌داری، تهران: امیرکبیر.

. سالور، قهرمان‌میرزا، (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۳، تهران: اساطیر.

. سوداگر، محمدرضا، (بی‌تا)، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی) ۴۰-۱۳۰۴، تهران: پازند.

. سیف، احمد، (۱۳۸۰)، استبداد، مالکیت و انباشت سرمایه در ایران، تهران: رسانش.

. طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۴۷)، جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان، تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.

. عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

. فریزر، جیمز، (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه غلامعلی مازندرانی، تهران: توس.

. فشاهی، محمدرضا، (۱۳۶۰)، تکوین سرمایه‌داری در ایران، تهران: گوتنبرگ.

بزنند. مالکان جدید با برقراری مناسبات اربابی در املاک شخصی، زمینه دخالت در امور زراعی و آبیاری مزارع کشاورزان را فراهم می‌آوردند؛ به‌علاوه، حضور این مالکان در شهرها و سپردن امور زراعی به کدخدایان و مباشران، باعث می‌شد تا بر خواسته‌ها و نیازهای روستاییان نظارتی نباشد و امور زراعی در راستای منافع مالکان و سودآوری بیشتر پیش رود.

تجاری‌شدن کشاورزی و سودآوری محصولات موجب می‌شد که اتباع خارجی، به‌ویژه روس‌ها، به اجاره و خرید زمین در مناطق شمالی روی آورند. حضور اتباع روسی زمینه‌ساز مشکلات بسیاری برای کشاورزان در این مناطق بود. بسیاری از اتباع روسی، به‌پشتوانه برخی از بزرگ‌مالکان منطقه، از کشاورزان بهره‌کشی و اخاذی می‌کردند و در نتیجه، باعث افزایش هرج‌ومرج و آشفتگی‌های اجتماعی و اقتصادی در ایالت‌های شمالی می‌شدند.

کتابنامه

الف. کتاب

. اشرف، احمد، (۱۳۵۲)، مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظام‌های بهره‌داری کشاورزی در ایران. تهران: نشریه مرکز آموزش و پژوهش در برنامه ریزی منطقه‌ای.

. اورسل، ارنست، (۱۳۸۲)، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

. بی‌نام، (۱۳۵۷)، تحلیلی از شرایط جامعه روستایی در ایران، بی‌جا: بی‌نا.

. تحویلدار، میرزااحسین، (۱۳۴۲)، جغرافیای اصفهان، ترجمه منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.

. ترکمان، محمد، (۱۳۷۸)، اسناد امیرمؤید سوادکوهی

. فلاح و تجارت، س ۲، ش ۱، ۱۲۹۸: ۲۳.

. ۱۲۹۸: ۲۳.

. ش ۱۰، ۱۲۹۸: ۳۷۹-۳۸۰.

. ش ۱۲، ۱۲۹۸: ۴.

. ۱۲۹۸: ۴۴۹-۴۵۰.

. ۱۲۹۸: ۴۴۹-۴۵۰.

. ش ۹، ۱۲۹۸: ۳۲۷.

ج. اسناد آرشیوی

. سازمان اسناد ملی ایران.

د. مقاله

. عبدالله‌یوسف، (۱۳۶۱)، «روستاییان ایران در اواخر

قاجاریه»، در مجموعه مقالات مسائل ارضی و

دهقانی، ترجمه مارینا کاظم‌زاده. تهران: آگاه.

. کاظم‌بیگی، محمدعلی، (تابستان ۱۳۸۹)، «اصلاحات

مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران»،

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه

الزهرا(س)، س ۲۰، دوره جدید. ش ۶، پیاپی ۸۵،

ص ۱۶۳ تا ۲۰۲.

. نوشیروانی، س.و، (۱۳۶۱)، «سرآغاز تجاری شدن

کشاورزی در ایران». در مجموعه مقالات مسائل

ارضی و دهقانی، تهران: آگاه

ه. پایان‌نامه

. حسن‌زاده، فرزانه، (۱۳۹۱)، «تحول نظام حقوق

مالکیت زمین در ایران (از دوره مشروطه تا سقوط

پهلوی اول)»، به راهنمایی حسن زندیه، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد گروه تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه

تهران.

. -----، (۲۵۳۶)، واپسین جنبش قرون

وسطایی در دوران فتودال، تهران: جاویدان.

. فوران، جان، (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده؛ تاریخ

تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی،

ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

. کولاگینا، لودمیلا، (۱۳۵۹)، استیلای امپریالیسم بر

ایران و تبدیل این کشور به نیمه مستعمره، ترجمه

سیورس ایزدی، تهران: علم.

. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، (۱۳۶۹)، تحولات اجتماعی

در روستاهای ایران، شیراز: نوید شیراز.

. ملگونف، گریگوری ولریانوویچ، (۱۳۷۶)، کرانه‌های

جنوبی دریای خزر، ترجمه امیر هوشنگ امینی،

تهران: کتاب‌سرا.

. مهجوری، اسماعیل، (۱۳۴۵)، تاریخ مازندران. ج ۲،

ساری: بی‌نا.

. نصیری‌مقدم، محمدنادر، (۱۳۷۴)، گزیده اسناد

دریای خزر و مناطق شمالی ایران در جنگ جهانی

اول. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

. نوری، مصطفی و اشرف سرایلو، (۱۳۹۰)، اسناد

استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت،

تهران: مجلس شورای اسلامی.

. وثوقی، منصور، (۱۳۶۹)، جامعه‌شناسی روستایی،

چ ۳، تهران: کیهان.

. هوگلاند، اریک ج، (۱۳۸۱)، زمین و انقلاب در

ایران، ترجمه فیروز مهاجر، تهران: شیرازه.

. یوسفی‌نیا، راضیه، (۱۳۸۸)، اسناد تجاری ادوار اول

تا پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۲۸۵-۱۳۰۴ ش).

به کوشش راضیه یوسفی‌نیا، تهران: مجلس شورای

اسلامی.

ب. مجله‌ها و احصائیه‌های تجاری

. احصائیه‌های تجاری سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۶ ش.

و. منابع لاتین

- . Robert A, McDaniel, (1971), "Economic Change and Economic Resiliency in 19th CenturyPersia", Iranian Studies, Vol. 4, No. 1, p.37.
- . Nashat, Guity, (Winter - Spring, 1981), "From Bazaar to Market: Foreign Trade and Economic Development in Nineteenth-Century Iran", Iranian Studies, Vol. 14, No. 1/2P.60.